ویژه نامه ی نظامی گنجه ای: تبار، زبان و خاندان نظامی

امین، سید حسن

1-مطلع

الیاس(فرزند یوسف)متخلص و مشهور به نظامی،صاحی«خمسه» یا پنج گنج(مخزن الاسرار،خسرو و شیرین،لیلی و مجنون، اسکندر نامه و هفت پیکر)در کنار فردوسی،سعدی،حافظ،مولوی و ناصر خسرو یکی از ارکان ادب منظوم فارسی‏ست و به همین دلیل، ویژه‏نامه‏ی حاضر بدو اختصاص دارد،هرچند حق آن بزرگ را با این‏ مختصر ادا نمی‏توانیم کرد.

2-زادگاه و خاستگاه جغرافیایی

در شماره‏های پیشین ماهنامه‏ی حافظ،مکرر از نظامی سخن رفته‏ است و از جمله در شماره‏ی 8 مقاله‏یی داشتیم با عنوان«جامعه‏شناسی‏ شعر نظامی»از دکتر رضا انزابی نژاد.پس از آن،آقای سید مهدی‏ بهبهانی‏نیا در صفحه‏ی 37 شماره‏ی 20 در مقاله‏یی با عنوان‏ «داستان‏های عاشقانه در ادبیات فارسی»،از پنج گنج«نظامی گنجوی» یاد کردند.بلافاصله،آقای رضا سجادی،به انتساب نظامی به گنجه، اعتراض کردند و به استناد تحقیقات برادر خود(زنده یاد دکتر سید ضیاء الدین سجادی)،مدعی شدند که نظامی اهل ساوه است.در ایراد به این ادعا،آقای عبد الرضا قریب در صفحه‏ی 100 ماهنامه‏ی شماره‏ی‏ 22(دی‏ماه 1384)نوشتند که نظامی در دهکده‏ی(طا)از توابع تفرش‏ متولد شده است و ضمن استناد به شعر«به تفرش دهی هست«طا»نام‏ او»،اطلاع دادند که شورای شهر تفرش،نظامی را تفرشی دانسته و به‏ همین مناسبات بوستانی به نام او در آن شهر احداث کرده است.از سوی‏ دیگر،آقای غلام‏علی محبّی‏نژاد،در همان صفحه و همان شماره‏ی‏ مجله،به استناد شهر«ولی از قهستان شهر قم‏ام»و با تکیه بر تحقیقات‏ میدانی دکتر مظاهر مصفا،نظامی را متعلق به تفرش و قم معرفی کردند.

پیش از همه‏ی این‏ها وحید دستگیری در دی‏ماه 1313 بر روی جلد مخزن الاسرار،آن مثنوی را اثر«حکیم نظامی قمی شهیر به گنجه‏ای» معرفی کرده بود.دلیل تفرشی یا قمی بودن نظامی را نیز اغلب‏ نویسندگان،دو بیت(احیانا«الحاقی»)زیر دانسته‏اند:

چو در گرچه در بحر گنجه‏ام‏ ولی از قهستان شهر قم‏ام‏ به تفرش دهی بود«طا»نام او نظامی از آن‏جا شده نام جو

تازه در شماره‏های بعدی مجله،مسلّم شد که در اطراف گنجه هم، روستایی به نام«قم»موجود است و لذا اگر دو بیت بالا الحاقی هم نباشد، مربوط به قم معروف نیست.پس نظامی مولدا و مسکنا گنجه‏یی‏ست؛ چنان‏که خود گوید:

گنجه گره کرده گریبان من/ بی گرهی گنج عراق آن‏ من/ بانگ برآورده جهان کای غلام/ گنجه کدام است و نظامی کدام؟

النهایه اولا،گنجه نیز روزگار نظامی،بخشی از ایران بوده و تنها در 1828 میلادی از پیکر ایران جدا شده است و ثانیا،زبان رسمی مردم‏ گنجه(هم‏چنان که از نام‏های جغرافیایی آن منطقه معلوم است)،پارسی‏ بوده و لذا نظامی گنجه‏ای شاعری پارسی‏گوی ایرانی‏ست.ثالثا،در عصر نظامی،مردم گنجه و اران به گویش ارانی و مردم آذربایجان به‏ گویش آذری که هر دو گونه‏هایی از زبان پهلوی‏ست،سخن می‏گفتند و این نکته را در نوشته‏های عالمانه‏ی دکتر عبد الحسین زرین کوب درباره‏ی‏ نظامی با عنوان پیر گنجه در جست‏وجوی ناکجا آباد و تحقیقات دکتر منوچهر مرتضوی و دکتر عنایت اللّه رضا درباره‏ی زبان آذری و تاریخ زبان‏ در آذربایجان می‏توان یافت.

3-خاستگاه خانوادگی و قومی

پدر نظامی(یوسف)به تصریح صریح خود او در«لیلی و مجنون»، فارسی:«پارسی:فارس»بوده است،چنان‏که گوید:

دهقان فصیح پارسی زاد از حال عرب چنین کند یاد

دهقان مان دهگان(به معنی یک ایرانی اصیل و مالک زمین‏های‏ کشاورزی)ست،چنان‏که فردوسی گوید:

از ایشان هر آن کس که دهگان‏ بدند/ ز تخم و نژاد بزرگان بدند.

این تعبیر دهگان،بعدها از باب اطلاق‏ جزء به کلّ به همه‏ی ایرانیان اطلاق شده است؛چنان‏که فردوسی گوید:

نه دهقان،نه ترک و نه تازی بود.

در عین حال،واژه‏ی دهقان به معنی‏ «تاریخ نگار»هم به کار رفته است،چنان‏که تعبیر نظامی که دهقان را به‏ صفت«فصیح»متصف می‏کند،به همین معنی اخیر است و باز در همین‏ معنی فردوسی هم گفته است:

ز دهقان کنون بشنو این داستان/ که‏ برخواند از گفته‏ی باستان.

یا:

سراینده دهقان موبد نژاد/ از این داستانم‏ چنین کرد یاد.

پس نظامی که خود را«دهقان فصیح پارسی زاد»،معرفی می‏کند، باید هم ایرانی نژاده و اصیل،هم تاریخ‏دان و سخنور و هم صاحب‏ زمین‏های کشاورزی باشد.نقش دهگانان در حفاظت از فرهنگ و تاریخ‏ ایران در عصر اسلامی و نیز در گردآوری خراج و ایصال آن به دولت‏ مرکزی،نیز قابل ذکر است.خلاصه آن‏که خاندان نظامی در گنجه‏ (چون فردوسی در توس و نظام الملک در بیهق)یک خاندان دهگای با آگاهی فرهنگی و تمکّن مادی بوده‏اند.یکی از قرائن این سوابق‏ خانوادگی،آشنایی تاریخی ما با پدر نظامی«مؤید مطرزی»و عمو یا برادر یا عموزاده‏اش به نام قوامی مطرزی از پارسی‏گویان قصیده و غزل سرای‏ آذربایجان است.

مادر حکیم نظامی،کرد(نه ترک یا فارس یا قومیت دیگر)بوده است، چنان‏که باز خود او در همان«لیلی و مجنون»می‏گوید:

گر مادر من‏ رییسه‏ی کرد/ مادر صفتانه پیش من مرد....

پس بی‏شک و شبهه،تبار مادری نظامی،کرد و تبار پدری او فارس‏ است و به همین دلیل گفته است:

همه عالم تن است و ایران دل‏ نیست گوینده زین قیاس خجل‏ چون‏که ایران،دل زمین باشد دل ز تن به بود،یقین باشد

4-زبان ترکی و نظامی

نظامی البته زبان ترکی می‏دانسته است و همسر اول او به تصریح‏ خودش ترک تبار و ترک نژاد(از ترکان قبچاق)بوده است،چنان‏که در «خسرو و شیرین»به هنگام توصیف مرگ شیرین با اشاره به همسر خویش‏ (مسمّات به«آفاق»)می‏گوید:

به حکم آن‏که آن کم زندگانی‏ چو گل بر باد شد روز جوانی‏ سبک رو چون بت قبچاق من بود گمان افتاد خود کافاق من بود

در اقبال نامه نیز،دوباره از آفاق قبچاقی(همسر ترک تبار و ترک زبان‏ خویش)سخن گفته و او را ستوده است.قبچاق نام دشت وسیعی از ترکستان است که فردوسی می‏گوید:

به گستهم نوذر سپرد آن زمین/ ز قبچاق تا پیش دریای چین.

بعدها،از باب«تسمیه‏ی حالّ به محلّ»،به خود اتراک این دشت هم،قبچاق،اطلاق کرده‏اند.

خود نظامی و خاندان پدری و مادری او ترک نیستند و زبان مادری آنان، ترکی نبوده است.علی التحقیق،این بیت که اخیرا مستند ترک تباری‏ شخص نظامی در بعضی محافل قوم گرایانه قرار می‏گیرد،مجعول است و به شعر نظامی نیز شباهتی ندارد:

پدر در پدر مر مرا ترک بود به فرزانگی هر یکی گرگ!بود

دلائل مجعول بودن این بیت،عبارتند ز این‏که:اولا این بیت در هیچ‏ یک ز نسخه‏های چاپی و خطی کلّیات نظامی،یافت نمی‏شود.ثانیا،از جهت محتوایی،مفهوم«فرزانه»با«گرگ»سازش ندارد.ثالثا،از جهت‏ سبک سخن،واژگان«مر مرا»و«پدر بر پدر»بر سبک خراسانی‏ست و نه‏ سبک سخن نظامی.رابعا،از نظر قواعد شعر کلاسیک،واژه‏ی«گرگ»با «ترک»قافیه نمی‏شود و شاعر بزرگی مانند نظامی چنین اشتباهی نمی‏کند.

نیز باید تأکید کرد که کتابی به زبان ترکی که اخیرا به نام دیوان ترکی‏ نظامی چاپ شده است،از نظامی گجه‏ای نیست و گویا متعلق به شاعری‏ به نام نظامی قهرمانی یا قرائی باشد.به هر روی،در آثار خود نظامی(یا اعضای شاعر خاندان او هم چون قوامی مطرزی)هم هیچ‏گاه به ذو اللسانین‏ بودن او در نظم و نثر اشارتی نرفته است.

5-نتیجه

حاصل کلام این‏که نظامی اهل گنجه است و اهل تفرش و قم یا ساوه‏ نیست،اما به هر حل،وی یک دهگان نژاد ایرانی و صیل‏ست که پدری‏ فارس و مادری کرد داشت و در گنجه که در آن اوان بخشی از ایران بوده‏ است،از مادر زاده و در همان جا زیسته و با زنان ترک نژاد و ترک زبان ازدواج‏ کرده است،امّا زبان مادری‏اش کردی و زبان پدری‏اش گویش ارانی از شاخه‏های زبان‏های ایرانی و لا جرم زبان رسمی خود او نیز زبان فارسی‏ (برای تحصیل و کتابت)و ارانی و کردی(برای صحبت و محاوره)بوده‏ است،چنان‏که خود گوید:

نظامی که نظم دری کار اوست‏ دری نظم کردن سزاوار اوست

پی‏نوشت

پی‏نوشت‏ها و یادداشت‏ها در دفتر مجله موجود است.

سخن

نظامی گنجه‏ای

سخن کان از سر اندیشه ناید نوشتن را و گفتن را نشاید سخن بسیار داری اندکی کن‏ یکی را صد مکن،صد را یکی کن‏ چو آب از اعتدال افزون نهد گام‏ ز سیرابی به غرق آرد سرانجام‏ چو خون در تن ز عادت بیش گردد سخن کم گوی تا بر کار گیرند که در بسیار بد بسیار گیرند تو را بسیار گفتن گر سلیم است‏ مگو بسیار دشنامی عظیم است‏ سخن جان است و جان داروی جان است‏ مگو،چون جان عزیز از بهر آن است‏ تو مردم بین که چون بی‏رای و هوشمند که جانی را به ننی می‏فروشند سخن گوهر شد و گوینده غواص‏ به سختی در کف آید گوهر خاص‏ ز گوهر سفتن،استادان هراسند که قیمت‏مندی گوهر شناسند

حسن جو باش نه عیب جو

چشم فروبسته‏ای از عیب خویش‏ عیب کسان را شده آیینه پیش! عیب نویسی مکن آیینه‏وار تا نشوی از نفسی عیب‏دار یا به در افکن هنر از عیب خویش‏ یا بشکن آینه‏ی غیب خویش‏ دیده ز عیب دگران کن فراز صورت خود بین و در او عیب‏ساز در همه چیزی هنر و عیب هست‏ عیب مبین تا هنر آری به دست‏ می نتوان یافت به شب در چراغ‏ در پر طاووس که زر پیکرست‏ سرزنش پای،کجا در خورست‏ زاغ که او را همه تن شد سیاه‏ دیده سپید است در او کن نگاه